

باب هفدهم

در نتیجه بینات ابواب مذکوره

حمد بیغایت بر رب العالمین کردگار پاک کل مؤمنین
 اوست بخشنده بانسان عقل و دین باورت کر نیست قول حوبه بین
 گشته واقع قول های اولین هر چه فرمود از امور آخرین
 شد نما اتمام حجت آفرین پس بخش ایمان کامل یا معین

بدانکه انسان را امری افضل تر از دین و ایمان نیست و صاحب عقل تا اینکه نفهمد هیچ مذهب را سهل نشمرد خصوصاً اعتقاد متدین دین مسیح که خودش قدیم و تابعانش بسیار و معتبر اند پس در باب این ملت بارباب کمال واجب آمده که حقیقت دعوت دین مذکور را نسبت باصل و حقیقتش تقیّش و ملاحظه نموده بلکه کل دلائل و اثباتش در میزان حق بی تعصب باید سنجید * و از بینات فوق معلوم که مذهب مزبور صحت بسیار داشته و از آن جمله صدق اقوال انبیا دلیل و برهان قاطعی میباشد و کتب پیغمبران بنی اسرائیل خیلی قدیم بوده و دو بیست و پنج سال و بیشتر قبل از ایام حضرت مسیح بزبان یونانی ترجمه شده اند و یهودیان همیشه از اوقات باوجود غیرت دین و اهتمام تمام کتب مقدسه مذکوره را محفوظ داشته اند و در این باب هرگاه کسی ایراد گرفته باشد پس اولاً باید کل اخبار تاریخ نویسان قدیم را باطل سازد * و این فتوی صحیح نیست که شخصی بی تفحص و بی دلیل اعتقادی را انکار نماید و چون دین مسیحی اول بر عقل دعوت کرده و در حضور ارباب کمال حجت ها آورده و دقیق ترین تفحص و تجسس طلبیده

پس هر که بر این مذهب ایمان نیاورد باید دلائلِ آن را رد سازد تا اینکه موافقِ عقل و یی را باطل بداند هر چند در اعتقادِ خود شک و شبهه را نداشته باشد مع هذا از امتحان و تفتیشِ این مذهب برنگردد و اگر طالبِ حق باشد البته بر این صاحبِ عقل واجب آمده که برهانِ قاطع را در این باب تفحص کرده و فهمیده تا اینکه آن مذهب را باطل نماید و یا اینکه او را بر حق یافته پس بر وی قائل شود * پس در انجامِ کلام بدانکه تمامی احوالاتِ گذشته مگر نقلِ مختصر از حصهٔ اقوال و الهاماتِ روشن‌ترین نبوی و مقدماتِ واقع شدنش چیزی دیگر نشده و هر چند در نوشتجاتِ انبیا کثرتِ قول‌ها هستند که تکمیل یافته از راهِ شهادتِ بعرضهٔ ظهور توان آورد لیکن در این مراسله مذکور نگردید و اما چون صاحبِ عقل می‌بیند که در مراتبِ بسیار قولِ الهامی بطریقِ آشکارترین اعلام گشته و پرهویدا وقوع یافته پس کلّ این احوالات و دلائل بمرتبهٔ یک برهانِ قاطع آمده پس بدشمنانِ دینِ مسیحی و یا با آنانی که در ایمان ضعیف هستند فیصل دادن را وا گذاشته که ایشان عقلانه و محبتاً در این باب حکم و فتوی بدهند پس آیا می‌توانند همین برهانِ قاطع را نسبت بحقیقتِ دینِ حضرتِ عیسی رد نموده باطل سازند یا نه و هرگاه در بابِ وعده‌ها و تهدیداتِ کتابِ مقدس بعضی از مردمان یقین نکرده بلکه در بارهٔ الهام از خداوند شک دارند پس آیا از مقدماتِ مزبور بعقلِ ایشان معلوم نمیشود که دستِ قدرتِ پروردگار در این کیفیات قولِ الهام را فی‌الحقیقه مدلل ساخته و حجتِ تمام گردیده و آیا ملاحظهٔ این احوال عقل و دلِ ایشان را رو به ایمان نمی‌آورد و دیگر بایشان واجب نشده که برای اهلِ مسیحی اجازت را دهند که فی‌الحقیقه ملتِ مذکور از برای امید و اعتقادِ خود دلائلِ حق را دارند و همین قبول کرده شود پس صاحبانِ عقل و حق‌جویانِ اقوالِ الهامی دیگر و کلّ شهادات و براهینِ دینِ مسیحی را بدونِ غیرت و جانب‌داری ملاحظه و تفتیش نمایند و فی‌الواقع

در این باب جای ایراد نمانده چون اقوال الهامی که در این مراسم مذکور شد نمیتوان گفت که مثل اخبار غیب فریبنده بتان است و دیگر نتوان انکار نمود که الهامات مذکوره صد ساله بلکه هزار سالهها پیش از مقدمات خود اعلام گشته بود و آن کیفیات تا همین روز صدق آن قول را مدلل میسازد و دیگر واقعات مسطور که بنهایت تمام آشکارا پیش اعلام شده پس اکثر اوقات چنین عجیب می نماید که انشاء قول مقدس هر چند خود واقعه را بیان کرده باشد اولاً مانند بعضی از فرمایشات اشعیا پیغمبر از طریق کنایه بعید بنظر می آید و لیکن عبارت قول مقدس هر قدر دور و مقدمه پیش فرموده اش هر قدر عجیب بوده پس با وجود این غیر ممکن است که کلمات مذکور محض از عقل انسان بی الهام اصل داشته باشند و در باب حجت مذکور پس بدانکه واقع شدن اقوال الهامی در باره قضایای آخرین نسبت به بعضی از قبائل و بلاد یکی از برهان قوی ترین دین مسیحی شده و چون در کلام پیغمبر شک نیست پس در خصوص منظورش کل صاحبان عقل همان فکر و فیصل را می ورزند و چون گردشها و انقلابات را که قول مذکور پیش فرموده منکر نگشته اند پس در این باب شهادت دیگر نمی خواهد بغیر از خود واقعات که موافق قولش افتاده و در این خصوص تاریخ نویسان بت پرستان قدیم بزرگواری و قدرت آن ممالک را نقل کرده اند بی آنکه از اقوال نبوی مخبر و مطلع شده باشند و مسافران تازه نیز که بعضی از ایشان متافقان باشند حالت الانی آن ولایت را وصف و بیان نموده اند بدون اینکه رأی و حوالش داشته باشند که الهامات پیغمبران را بجهت نقل خودشان تصدیق نمایند و الهامات مذکور محض در باب مقدمه گذشته و یا شخصی نامعلوم اعلام نگشته که زمان و احوالش غیر مشهور باشد بلکه هر نبی در قول الهام خود ولایات و قومها را نشان داده و نامیده که واقع شدن اقوالش علامات پر آشکارا داشته پس این احوالات در باره قول مقدس حجت آشکار و معجز نما گردیده است *

تمجیدِ شکر و سپاسِ خداوندی بر امثالِ ما بندهگانِ لازم است که در هر
 عمل ازین ابتدا و آغاز و توفیقِ انتها و انجام از اوست لهذا این بنده
 شرمنده عاصی مَرِّیکِ صاحبِ در آیامِ تَوْقِفِ بنده آرومیه از بلادِ
 اذربایجان و بتاریخِ شهرِ جمادی الاولِ سنه یک هزار و دو بیست و شصت
 و یکمِ هجریه این ترجمه مبارکه را که مشتمل بر اقوالِ الهامیه
 انبیا و دلائلِ حقیقتِ دینِ حضرتِ مسیح می باشد بعون
 و عنایتِ پروردگارِ عالمین و آفریننده آسمان و زمین
 بلفظِ فارسی بصورتِ اتمام و انجام رسانید امید
 و التماس از ناظرانِ آن همین است که این
 مترجمِ حقیر را بدعایِ خیر یاد فرمایند
 و اگر سهوی و خطای بزبانِ فلم
 رفته باشد عفو نمایند
 و السلام علی من
 اتبع الهدی

* * * *

* *

*